



بررسی اظهارات صریح پزشکیان در نشست با دیپلمات‌های ارشد

نقشه راه مواجهه با آمریکا

مسعود پزشکیان در جلسه‌ای مهم با جمعی از دیپلمات‌های ارشد کشورمان به راهبرد دولت چهاردهم در عرصه سیاست خارجی اشاره کرد. آن بخشی که خارج از روال معمول ادبیات رسمی کشور بود، قسمتی بود که رئیس‌جمهور از لزوم مدیریت روابط با آمریکا صحبت کرد؛ صحبتی که با اتخاذ رویکرد تخاصمی میان تهران و واشنگتن متفاوت است و انطباق زیادی با راهبرد مدیریت تنش در روابط میان دو کشور دارد.

گروه خبر: دیروز جلسه‌ای مهم با حضور رئیس‌جمهور و جمعی از دیپلمات‌های ارشد کشورمان برگزار شد؛ نشستی که در خبر رسمی، عنوان «نشست مشورتی در حوزه سیاست خارجی» به آن اطلاق شده و جمعی از مدیران ارشد ادوار مختلف دستگاه دیپلماسی کشورمان در کنار محمدجواد ظریف، معاون راهبردی رئیس‌جمهور و سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه کشورمان در آن حضور داشتند. مسعود پزشکیان در این جلسه به راهبرد دولت چهاردهم در عرصه سیاست خارجی اشاره کرد. آن بخشی که خارج از روال معمول ادبیات رسمی کشور بود، قسمتی بود که

رئیس‌جمهور از لزوم مدیریت روابط با آمریکا صحبت کرد؛ صحبتی که با اتخاذ رویکرد تخصصی میان تهران و واشنگتن متفاوت است و انطباق زیادی با راهبرد مدیریت تنش در روابط میان دو کشور دارد.

مدیریت عرصه رابطه با آمریکا از سوی ایران

پزشکیان در نشست مشورتی حوزه سیاست خارجی با اشاره به دیدارها با مقامات روسیه، چین و هند گفت: «تبادل هیئت‌ها میان ایران با چین و روسیه در جریان است و تلاش داریم موانع پیش‌روی اجرای توافقات با این دو کشور را برطرف کنیم. چینی‌ها علاقه‌مند هستند در اجرای پروژه‌هایی زیربنایی و عمرانی در ایران فعال‌تر شوند و در ارتباط با روسیه نیز گسترش و تکمیل خطوط ترانزیتی و نیز خط انتقال گاز به شکل جدی در حال پیگیری است.»

وی افزود: «علاوه بر اصرار هندی‌ها برای فعال شدن مسیر بندر چابهار، کشورهای جنوب خلیج فارس نیز به دنبال گسترش روابط و به‌خصوص فعال شدن مسیرهای ترانزیتی با ایران هستند.»

رئیس‌جمهور با اشاره به اینکه از ابتدا اعلام کرده بودم که به دنبال گسترش روابط با همه کشورهای جهان از جمله کشورهای اروپایی هستیم، گفت: «مذاکره با کشورهای اروپایی در حال انجام است، اما رژیم صهیونیستی با شیطنت‌های اخیرش سعی در ایجاد اخلال و پیچیده کردن مسائل در این مسیر دارد.»

پزشکیان تاکید کرد: «در آغاز فعالیت رسمی به‌عنوان رئیس‌جمهور هم گفتم که باور دارم باید با دوستان مروت و با دشمنان مدارا داشته باشیم و امروز بیش از گذشته به این نظر اعتقاد دارم. ما برای رسیدگی به مشکلات داخلی و توسعه کشور علاوه بر سامان دادن امور داخلی، باید روابط بین‌المللی کشور را سامان داده، تنش‌ها را رفع و زمینه را برای تعاملات و مراودات با کشورهای منطقه و جهان نیز بهبود ببخشیم.»

رئیس‌جمهور گفت: «به نظرم حتی در رابطه با آمریکا نیز ما چه بخواهیم و چه نخواهیم بالاخره در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی با این کشور مواجهه خواهیم داشت و بهتر است این عرصه را خودمان مدیریت کنیم؛ البته دولت در نهایت، کلیت سیاست خارجی را در چارچوب استراتژی و رویکردهای کلان نظام پیش خواهد برد.»

مواجهه با آمریکا

آنچه رئیس‌جمهور در مورد مواجهه اجتناب‌ناپذیر با آمریکا در مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی مطرح کرد، مسئله‌ایست که می‌توان هزاران کلمه درباره آن در مطبوعات نوشت. ایران به صورت دوجانبه در چند حوزه از جمله مسئله هسته‌ای و تحریم‌ها با آمریکا درگیر است. در مسئله اسرائیل، با توجه به پشتیبانی تمام‌قد آمریکا از اسرائیل و پشتیبانی ایران از گروه‌های مقاومت نیز دو کشور با یکدیگر مواجهه پیدا می‌کنند. همین مسئله اسرائیل، خود را در سوریه، لبنان و نوار غزه نشان می‌دهد.

آمریکا در خلیج فارس حضور گسترده نظامی و سیاسی دارد. بحرین محل استقرار ناوگان پنجم نیروی دریایی و قطر مرکز فرماندهی سنتکام و همچنین نقطه استقرار نیروی هوایی این کشور است. بحرین و قطر دو پایگاه اصلی آمریکا هستند و این به غیر از پایگاه‌های کوچک‌تر ایالات متحده در کشورهایمانند امارات، اردن و کویت است.

عراق را نیز می‌توان یکی از نقاط مواجهه میان دو کشور قلمداد کرد که البته این برخوردها از سال ۲۰۰۳ (اشغال عراق و سقوط صدام) تا امروز شدت و ضعف داشته است.

بنابراین تضاد منافع زیادی در خلیج فارس نیز به وجود می‌آید. به دلیل تضاد منافع میان دو کشور در مسائل راهبردی، بخش زیادی از تحلیلگران معتقدند که تماس و ارتباط میان ایران و آمریکا باید به صورت مستقیم و نه از طریق واسطه و پیغام‌رسان‌ها برقرار باشد. در این حلقه کارشناسان، عده‌ای نیز معتقدند که نه تنها تماس میان دو کشور بلکه ارتباط دیپلماتیک نیز باید برقرار شود و با گذر زمان و تاکید بر اشتراک منافع، در نهایت با آمریکایی‌ها کار کنیم. طرح این موضوع همیشه با واکنش از سوی تندروها مواجه شده اما برآیند تحلیل‌ها نشان می‌دهد که ایران امروز به این تصمیم نیاز دارد و البته تصمیم‌گیری در حوزه آمریکا از سطح دولت بالاتر است.

حاضران چه کسانی بودند؟

مهمانان رئیس‌جمهور در این جلسه را باید با پیشینه دیپلماتیک‌شان بشناسیم؛ سیدعباس عراقچی که در حال حاضر ارشدترین دیپلمات کشور است و محمدجواد ظریف نیز که از سال ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰ وزیر امور خارجه کشور بود. علی‌اکبر صالحی، کمال خرازی و علی‌اکبر ولایتی به ترتیب ۳، ۸ و ۱۶ سال اداره وزارت خارجه را بر عهده داشتند. خرازی در حال حاضر رئیس شورای راهبردی روابط خارجی است.

مهدی سنایی، معاون سیاسی دفتر رئیس‌جمهور، پیش از این سفیر ایران در روسیه و به دنبال بازگشت از ماموریت مشاور ارشد وزیر خارجه شد. او سابقه ماموریت‌های دیپلماتیک به عنوان رایزن فرهنگی در قزاقستان و روسیه را نیز دارد.

سیدمحمد صدر امروز عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام است اما پیش از این دو دوره معاونت وزارت خارجه را بر عهده داشت. محمود واعظی نیز به عنوان وزیر و دولتمرد دوران حسن روحانی شناخته می‌شود اما از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۸ از مدیران ارشد وزارت امور خارجه در حوزه اقتصادی و البته بخش دوجانبه اروپا و آمریکا بود.

مذاکره تابو نیست



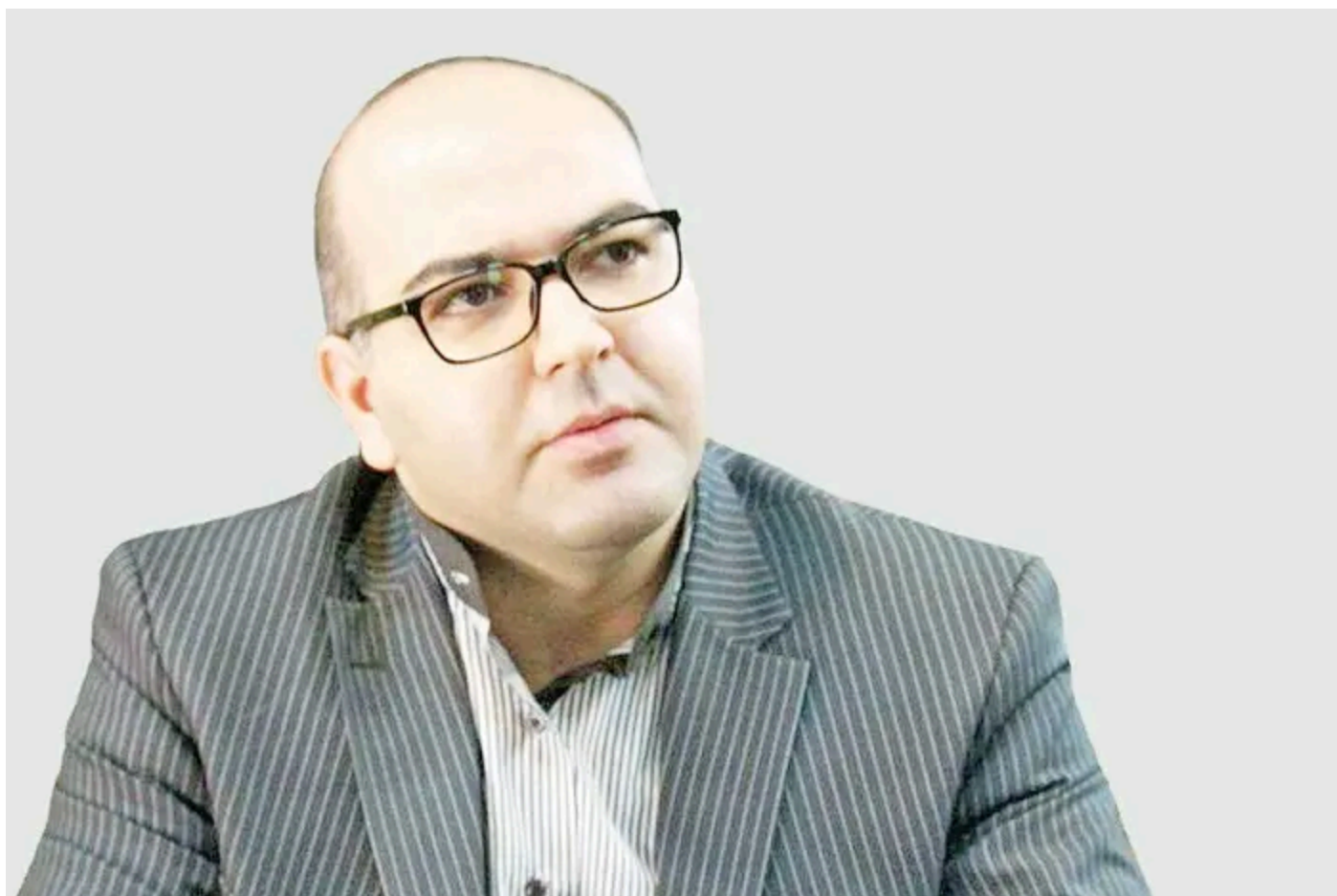
ساسان کریمی، استاد دانشگاه تهران درباره مسئله «مواجهه» مدنظر رئیس‌جمهور به خبرنگار «هم‌میهن» گفت: «همانطور که تعامل الزاماً به معنی همکاری نیست، مواجهه هم به معنی تقابل نیست. به هر حال ما باید با این مسئله مواجه شویم. طبیعتاً بهترین و کم‌خسارت‌ترین راه مبادله آرا میان دو طرف، مذاکره‌ای مستقیم است. بعضی وقت‌ها شرایط به دلایل مختلف سیاسی و غیرسیاسی مساعد و ترجیح کشور بر مذاکره مستقیم نیست. این دولت فعلی آمریکا نیز که دولت مستعجل است و دو ماه آینده به اتمام می‌رسد بنابراین مذاکره با آن‌ها معنای زیادی ندارد. آن چیزی که الان می‌تواند اتفاق بیفتد، فکر کردن در مورد دولت آقای ترامپ است و اینکه ما چطور باید خودمان را با شرایط جدید ایالات‌متحده تنظیم‌گری کنیم و بتوانیم سیاست خارجی دولت دوم ترامپ در مورد ایران و خاورمیانه را شکل بدهیم.»

او تاکید کرد: «واقعیت این است که وجود میانجی و واسطه، در بسیاری موارد ایجاد سوءتفاهم و هزینه مضاعف می‌کند و بعضی اوقات خطر وجه‌المصالحه قرار گرفتن به وجود می‌آورد. در عین حال، تصمیم با سطوح عالی نظام است. تصمیم مبنی بر اینکه ارتباط باشد یا نه، و اگر قرار است به سمت نوعی چانه‌زنی در برخی موضوعات برویم، به چه شکل و فرمتی باشد. هیچ‌کدام این‌ها نیز تابو نیست. روش‌های مختلف حل مسئله است. در دوره‌های مختلف هم امتحان شده و هم اجازه‌اش وجود داشته است. در دوره وزارت امور خارجه آقای دکتر ظریف مذاکره مستقیم در قالب 5+1 و منحصر به موضوع هسته‌ای اتفاق افتاد و برکات خودش را داشت.»

کریمی ادامه داد: «در دوره شهید امیر عبداللہیان این اجازه صراحتاً از پشت بلندگو از سوی رهبری داده شد و مقام معظم رهبری فرمودند که می‌شود مذاکره مستقیم هم کرد و مشکلی نیست ولی خوب تیم صلاح ندید که یا در

بضاعت خود ندید که این کار را انجام دهد. ولی اجازه آن بود. ممکن است در مواردی با توجه به طرف مقابلی که در واشنگتن نشسته و با توجه به شرایط منطقه و غیره این اجازه صادر یا برداشته شود. هنوز در مورد اینکه استراتژی یا تاکتیک کشور در این موضوع به چه صورت است، اطلاعی ندارم. ولی محور صحبت آقای پزشکیان این است که بهترین راه مواجهه با هر موضوعی کنش فعالانه و نقش آفرینی خودمان است؛ با توجه به توان بالای کشور در حوزه‌های مربوط به امنیت ملی و سیاست خارجی.»

اختلاف به معنی منازعه همیشگی نیست



دیاکو حسینی، پژوهشگر مسائل راهبردی به «هم‌میهن» گفت: «این حرف اصولاً درست است که ما با آمریکایی‌ها اختلافاتی در این منطقه داریم. مقداری از اختلافات ریشه‌های تاریخی دارد و مقداری به ایدئولوژی متفاوت ایران و آمریکا، بخشی نیز به مسئله ژئوپلیتیک برمی‌گردد. ژئوپلیتیک به این معنا که آمریکا دوست دارد هیچ قدرتی به‌ویژه قدرت‌هایی که رقیب یا متخاصم با آن‌ها هستند در این منطقه از جهان که اهمیت استراتژیک دارد، برتری پیدا نکنند. ایران به‌طور طبیعی می‌خواهد در منطقه‌ای که قرار گرفته، در مرتبه بالاتر و ایمن‌تر باشد. به این سه دلیل با آمریکا اختلافاتی در این منطقه داریم اما معنیش این نیست که محکوم هستیم در منازعه دائمی با یکدیگر باشیم.»

او ادامه داد: «اگر آمریکایی‌ها هم مایل و به این جمع‌بندی رسیده باشند که تنازع با ایران ادامه پیدا نکند - این منازعه در میان‌مدت و بلندمدت به سود منافع ایالات متحده نیست - می‌توانیم درباره موضوعاتی به توافق برسیم یا حدودی را در ارتباط با هم رعایت کنیم. حتی در یک گام فراتر ممکن است بتوانیم منافع مشترکی را تعریف کنیم.»

چون ایران و آمریکا به زعم اختلافات، در جوهی با هم اشتراک دارند. هیچ کدام از دو کشور مایل به رشد و توسعه تروریسم سنتی و جهادی که مصادیقی مثل داعش و القاعده دارد نیستند. بی‌ثباتی در منطقه به نفع هیچ کدام نیست. بی‌ثباتی یعنی ناامن‌تر شدن ایران و به همان ترتیب آمریکا ناگزیر از مداخلات بیشتر است که توجه واشنگتن را از مسائل مهمی مثل شرق آسیا منحرف می‌کند. هر دو کشور در عدم اشاعه سلاح هسته‌ای، ناامنی انسانی که باعث گسترش مهاجرت تا قاچاق انسان کالا و مواد مخدر می‌شود، منافع مشترک دارند. تا امروز به این اشتراکات خیلی توجه نکرده‌ایم.»

این کارشناس مسائل بین‌الملل در پاسخ به این نکته که برخی مذاکره و برقراری روابط با آمریکا را تابو می‌دانند و آن را تفسیر به دوستی و اتحاد می‌کنند، گفت: «آمریکایی‌ها در دهه‌های پیشین و قبل از اینکه حتی با جمهوری اسلامی ایران دچار تعارض منافع شوند، با اتحاد جماهیر شوروی تعارض ماهوی و ماهیتی داشتند. شوروی خواستار نابودی جهان سرمایه‌داری و مظهر آن یعنی آمریکا بود و ایالات متحده هم حذف و نابودی کامل کمونیسم و سوسیالیسم به سبک شوروی را دنبال می‌کرد. در عین اینکه دو طرف رقابت در مقیاس جهانی داشتند و در جنگ سرد به سر می‌بردند، سفارتخانه دو کشور در واشنگتن و مسکو فعال بودند. همین حالا که روسیه و آمریکا با یکدیگر به صورت غیرمستقیم درگیر هستند، سفارت هر دو کشور فعال هستند و مراودات دیپلماتیک دارند.»

فکر می‌کنم هر دو آماده هستند در شرایط مناسب با یکدیگر دیداری حتی در سطوح عالی داشته باشند. این وضعیت درباره چین و آمریکا نیز مصداق دارد. طبعاً آمریکا و چین تهدیدهای بزرگتری برای یکدیگر محسوب می‌شوند ولی روابط دیپلماتیک عالی با هم دارند؛ مرتب دیدار رهبران دو طرف در پکن و واشنگتن اتفاق می‌افتد. بنابراین، این ایده که ما چون با آمریکا رقابت و احتمالاً یک دشمنی داریم نباید با هم رابطه دیپلماتیک داشته باشیم، حداقل منطق تاریخی ندارد.

در عین حال من فکر می‌کنم ما به مقدماتی نیاز داریم که شرایط ارتقاء روابط میان دو کشور فراهم شود. مانع‌های ذهنی و عینی این مسیر از سوی هر دو کشور سخت و گسترده‌تر از آن است که بشود در این مورد صحبت کرد. بهتر است که فعلاً بر پلتفرم‌هایی تمرکز کنیم که در آن‌ها امکان مذاکره و توافق وجود دارد و می‌تواند گام‌هایی در مسیر کنترل تنش باشد. فعلاً می‌شود برای کنترل تنش ابتکار به خرج داد و اگر موفق بود، به قدم‌های بعدی فکر کرد.»